

فراتحلیل تحقیقات مشارکت‌های مردمی در ارزیابی طراحی معماری مسکن روستایی در روند بازسازی بعد از وقوع زلزله

فاطمه مهدیزاده سراج* - دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
یاور رستم‌زاده - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

Research meta-analysis of public participation in the process of architectural design evaluation rural housing reconstruction after the earthquake

Abstract

The different approaches towards reconstruction after the earthquake affected areas of interest to planners and an architect in the reconstruction process is affected houses. In the meantime, choose the optimum approach or approaches, requires consideration of a number of indicators such as cultural background, family and community to improve safety conditions, the cost of reconstruction, restoration and improvement of living conditions, political situation, implementation mechanisms, and how to raise capacity the society is damaged. The main factors that interfere in the decision-making process have a special role in the reconstruction process. Including the role of the central government agency responsible for reconstruction, reconstruction of participating agencies, local government, and the affected community and above all the participation of victims in natural disasters are in line with the design or manufacture of the affected areas. In this article, using meta-analysis to review and summarize studies and experiences in the field of participation of victims in the process of reconstruction after the earthquake deal; the data collection instrument consisted of library studies and documents have benefited. At the end, all the available research is summarized and analyzed. And their results are discussed in the form of tables.

Key words: meta-analysis, public participation, reconstruction of the accident.

چکیده

امروزه رویکردهای مختلفی در راستای بازسازی بعد از وقوع زلزله در مناطق آسیب‌دیده، مورد توجه برنامه‌ریزان و معماران در فرایند بازسازی مسکن زلزله زده است. در این میان، انتخاب نوع رویکرد بازسازی مسکن زلزله بهینه، نیازمند لحاظ شاخص‌هایی از قبیل زمینه‌های فرهنگی موجود، ارتقای وضعیت ایمنی خانوار و جامعه، هزینه بازسازی، ترمیم و بهبود معیشت، شرایط سیاسی حاکم، مکانیزم‌های تطبیق، و چگونگی بالا بردن ظرفیت‌های جامعه آسیب‌دیده است. لذا مشاوره با مردم و ارزیابی نیازها و ظرفیت‌های آنها و بهره‌گیری از میزان مشارکت آنها در فرایند بازسازی، قبل از اتخاذ تصمیمات اجرایی امری مهم محسوب می‌شود. عوامل اساسی که در روند تصمیم‌گیری در روند مداخله در فرایند بازسازی نقش ویژه‌ای دارند مشتمل بر نقش و جایگاه دولت مرکزی، نهاد مسؤول بازسازی، سازمان‌های مشارکت‌کننده در بازسازی، دولت محلی، و جامعه آسیب‌دیده و مهمتر از همه میزان مشارکت آسیب‌دیدگان در بحران‌های طبیعی در راستای طراحی و یا ساخت نواحی زلزله زده است. چگونگی تعامل میان بازیگران مزبور، در اتخاذ رویکرد بهینه بازسازی اثر می‌گذارد. در این مقاله با روش فراتحلیل به بررسی و جمع‌بندی مطالعات، تحقیقات و تجارب صورت گرفته در زمینه مشارکت آسیب‌دیدگان در روند بازسازی بعد از وقوع زلزله است که از ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است. در انتها نیز تمام تحقیقات در دسترس جمع‌بندی و تحلیل شده و نتایج آنها در قالب جداولی مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فراتحلیل، مشارکت‌های مردمی، بازسازی پس از سانحه.

مقدمه

تامین زیرساخت‌های فیزیکی از قبیل آب و بهداشت و دسترسی به خدمات آموزشی و غیره است که بیانگر مفهوم تداخل گسترده کار و معیشت، سکونت و عدم وجود تفکیک زمانی فعالیت‌ها در نظام زندگی روستایی است. از طرفی دیگر، «مسکن روستایی» به عنوان استخوان بندی کالبد روستایی، نقش اساسی در شکل‌گیری ساختار فضایی کالبدی و هویت معماری روستایی دارد و مهمترین معیار رضایتمندی از آن در استحکام بنا نمود می‌یابد» (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

در این راستا، شایان ذکر است که بیشتر کشورهای در حال توسعه مباحث توسعه کالبدی و مقاوم سازی مسکن روستایی مورد بی‌توجهی برنامه‌ریزان قرار گرفته است که منجر به توجه ناکافی به کدهای ساختمنی رسمی در مناطق مستعد به زلزله توسط سازندگان مسکن روستایی به دلایل اقتصادی و مالی و نظارت کمتر نهادهای محلی شده و به افزایش آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی در برابر زلزله منتهی شده است. با توجه به این که مسکن به عنوان استخوان بندی کالبد روستایی، نقش اساسی در شکل‌گیری ساختار فضایی کالبدی و هویت معماری روستایی خاصه در مناطق آسیب‌دیده از بحرانهای طبیعی دارد، ویژگی‌های فیزیکی و سازه‌ای آن نقش مهمی در میزان آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ایفا می‌کند. بنابراین «بررسی ادبیات موجود در زمینه دلایل آسیب‌پذیری مسکن روستایی و فرایند بازسازی علاوه بر ناپایداری حاصل ویژگیهای زمین‌شناسی استقرارگاه سکونتگاه‌ها، به مواردی از قبیل استفاده از مصالح غیر استاندارد، عدم رعایت ضوابط فنی در ساخت و ساز، فرسودگی ساختمنان، عدم نظارت موثر، نارسانی زیرساختی اقتصادی و غیره اشاره می‌کند» (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

همچنین کشور ما جزء بلاخیزتیین کشورهای روسیه‌ای است که این تنوع بر کیفیت مسکن و زندگی ساکنان آن موثر می‌باشد و در برگیرنده فضایی برای زندگی، فعالیت اقتصادی و عملکرد های تولیدی،

بشر از ابتدای خلقت تلاش داشته تا با حداقل امکانات و با سکنی گزیدن در مکانی، خود و اعضاء خانواده را از گزند سرما، گرما، جانوران و همنوعان حفظ نماید. این مکان فیزیکی که محل سکنی و استقرار انسان بوده، امروز نام «مسکن» به خود گرفته است (شکرگزار، ۱۳۸۵، ص ۲). «مسکن» به عنوان مکان فیزیکی و سرپناه، نیاز اولیه و اساس خانوار به حساب می‌آید. در این سرپناه برخی از نیازهای خانواده یا فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی

تامین می‌شود (پورمحمدی، ۱۳۷۹، ص ۳)؛ از سویی دیگر، بی‌شک بازسازی مسکن بعد از وقوع بلایای طبیعی از محورهای مهم در فرایند مدیریت بحرانهای طبیعی است.

همچنین، مطالعه ابعاد «مسکن و خاصه مسکن روستایی» در حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی نقش بسیار مهمی در شیوه و «سبک زندگی» انسان و زندگی روزمره آن دارد و مشارکت روستاییان در ساخت مسکن خاصه در فرایند بازسازی پس از سانحه و تطورات مفهومی و رویکردی آن با مقوله‌الگوهای بومی و ساخت محلی و حتی امکان سنجی توسعه نیز موضوعی اساسی در این فرایندها درنظر گرفته می‌شود. این پدیده دارای ابعاد معنوی و مادی در ساختار فرهنگ هر جامعه‌ای خاصه در مناطق روستایی است، چراکه «خانه» پدیده‌ای است که منطبق با کلیت نظام اجتماعی حاکم بر فرهنگ انسانی در هر قوم یا ملتی شکل می‌گیرد و در واقع با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معانی و هنجرهایی که در فرهنگ رایج است که با توجه به سنت و آداب و رسومی که بر ساختار فرهنگ یک قوم، قبیله یا ملت حاکم می‌باشد فرم مادی و معنوی آن در فضای زندگی بوجود می‌آید و مسکن روستایی به عنوان تجلی گاه شیوه‌های زیستی معیشتی بدلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی خانوارهای روستایی دارای تنوع بالایی است که این تنوع بر کیفیت مسکن و زندگی ساکنان آن موثر می‌باشد و در برگیرنده فضایی برای زندگی، فعالیت اقتصادی و عملکرد های تولیدی،

دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۷۶

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۷۷

و مقایسه آن‌ها با یکدیگر و ۳- ارزشیابی نتایج فراتحلیل به منظور کاهش خطا.» فراتحلیل شکاف‌های موجود در پیشینه، در دانش و برخی موارد، ضعف‌های نظری را آشکار می‌کند و برای تعیین نقاط قوت تحقیق بینش کافی را بیجاد می‌کند. یادآوری این مطلب خالی از لطف نیست که فراتحلیل پاسخ قطعی و نهایی برای درک مسائل تحقیقی و مانند سایر روش‌های تحلیل داده‌ها «یاریگر اندیشه است نه جایگزین آن.»

پیشینه تحقیق مسکن و خانه

مسکن و خانه مسکونی در زمرة نیازهای اولیه بشری محسوب می‌شوند و در اغلب کشورها از حقوق اساسی شهروندان به شمار آمده و در بیانیه‌های بین‌المللی حقوق بشر نیز بخش خاصی در این رابطه مورد ملاحظه قرار گرفته است. همچنین «واحدهای مسکونی بخش اصلی بافت سکونتگاهها را به خود اختصاص داده‌اند و اهمیت و نقش این عناصر در شکل دهی به سکونتگاهها تردید ناپذیر می‌نماید» (علی‌الحسابی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳). برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (۱۹۹۴) اساسی ترین منابع لازم در مکان جدید را موجود بودن زمین و آب و مناسب

بودن زمین جهت ساخت و ساز بر شمرده است. به نظر می‌رسد این عوامل به اضافه زمین مناسب کشاورزی جهت فعالیتهای اقتصادی مهمترین عناصر برنامه‌های جابجایی سکونتگاه می‌باشند.

در سالهای اخیر در معیارهای بازسازی و جابجایی سکونتگاه، رویکردهای مهندسی و اقتصادی به رویکردهای اجتماعی و علوم انسانی تغییر یافته‌اند. رویکرد اجتماعی به جابجایی سکونتگاه عمده‌اً بر جنبه‌های سازماندهی جامعه، «مشارکت افراد در فرایند تصمیم‌گیری»، «توجه به نیازهای فردی و اجتماعی»، حساس بودن مسئولان نسبت به پیش زمینه‌های فرهنگی و قومی افراد جابجا شونده توجه دارد و مشورت با مردم را مهمترین عامل موفقیت در انتخاب مکان صحیح و طراحی مناسب سکونتگاه می‌داند. مسکن جهت توسعه و رفاه جوامع نقش ضروری دارد

بادام بوده و بقیه آنها را ساختمانهای کم دوام و بی دوام تشکیل می‌دهند، فرسودگی، افت کیفی شاخص‌های مسکن روستایی و آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های موجود روستایی کشور در برابر حوادث طبیعی از یک طرف و رشد طبیعی جمعیت و کمبود مسکن از دیگرسو، و تغییر زیرساختهای نظام روستایی و شرایط زمانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روستا، و عدم پاسخگویی فضاهای قبلی به گرایشات جدید، نیاز به تامین مسکن جدید روستایی را بیش از پیش می‌نمایاند. اما در این میان، مساله پراهمیت ساخت مسکنی است که در کنار مقاوم بودن و پاسخگویی به نیازهای جدید ساکنان خود، واجد ارزش‌های هویتی بوده و می‌بینی بر الگوهای بومی مسکن روستایی بوده و کاربران را در فرآیند بازسازی مناطق زلزله زده دخیل کند. در این مقاله مفهوم مبانی نظری بازسازی پس از سانحه در نواحی روستایی موردنظر قرار گرفته و به اجمال مورد بحث خواهد بود. در ادامه مقوله مشارکتهای مردمی در بازسازی پس از سانحه مورد اشاره قرار می‌گیرد. در پایان نیز با روش فراتحلیل نتایج و جمعبندی مطالعات انجام گرفته در این رابطه بیان می‌شود.

مواد و روشها

روش تحقیق در این مقاله «روش فراتحلیل» است که در روش «توصیفی- تحلیلی» و ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی برای جمعبندی تحقیقات، مطالعات و تجارب مشارکتی در زمینه بازسازی بعد از وقوع سانحه بهره بده است. فراتحلیل روش مهارتی است که در آن از روش‌های آماری و ریاضی استفاده می‌شود و درباره کیفیت تحقیق پیش‌داوری نمی‌شود. در حوزه تحقیقات کیفی معماری، فراتحلیل به معنای جمعبندی و تقسیم‌بندی مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در مورد یک موضوع و تنظیم و تنسيق آنها و خلاصه‌سازی نتایج است. برای انجام فراتحلیل ابتدا باید حوزه‌ای انتخاب شود که نتایج مطالعات در آن حوزه دو پهلو و مشکوک باشد؛ سپس مراحل زیر به ترتیب پیگیری شود: ۱- شناسایی نتایج پژوهش‌ها، ۲- ترکیب نتایج پژوهش‌های انتخاب شده

بحران نیازمند ایجاد آمادگی و پرورش قابلیت‌های خود می‌باشدند. مدیریت بحران با توجه به نوع بحران‌ها (طبیعی-غیرطبیعی) و همچنین با عنایت به چرخه بحران نیازمند انجام اقداماتی هستند که ضمن انجام آن اولاً حتی المقدور خسارات ناشی از بحران را به حداقل برسانند و ثانیاً مانع وقوع اتفاقات ثانویه گردند. یک تعریف ساده و کلی از وضعیت بحرانی به فرار زیر است: «وضعیت بحرانی وضعیتی است که بر اثر وقوع یک حادثه مشخص روی داده به طوری که سازمانهای معمول با منابع و امکانات موجود قادر به مقابله با آن نیستند. به عبارت دیگر فراتر از توان سازمانهای معمول وجود دارد. این گونه بحرانها معمولاً در اثر حوادث طبیعی رخ می‌دهند و اثرات آنها حداقل به طور بالقوه و اغلب در عمل خطرناک، ویرانگر و کشنده می‌باشد.» «بحران در واقع حوادثی را شامل می‌شود که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می‌آید و خساراتی را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند که برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق العاده دارد» (شکیب و مقدسی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

نکته قابل توجه در این امر این است که تمامی تقسیم‌بندیهای به ظاهر متفاوت دارای محتوای یکسان می‌باشند و تفاوت تنها در صورت ظاهروی و تقسیم بندیهای است. «مدیریت بحران، اصطلاحی که تمامی جنبه‌های برنامه‌ریزی برای بحران و مرتبط با بحران مشتمل بر فعالیتهای قبل و بعد از بحران را دربرمی‌گیرد. همچنین این اصطلاح به مدیریت هر دو جنبه مخاطرات و پیامدهای بحران نیز می‌پردازد. به عبارت دیگر مدیریت بحران در واقع عبارت است از ایجاد آمادگی و فراهم کردن تمهیدات و تدارکات لازم برای رویارویی با بحران و یا به حداقل رساندن آثار تخریبی آن» (آهنچی، ۱۳۷۶، ص ۸).

مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مقامات دولتی و دستگاه‌های اجرایی دولتی، عمومی، شهرداری و... است که با مشاهده، تجزیه و تحلیل بحران‌ها، به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای

و دارایی پیچیده‌ای است که به معیشت، بهداشت، آموزش، امنیت و ثبات اجتماعی و خانوادگی مربوط است. مسکن برای خانواده نقش یک مرکز اجتماعی را دارد که منشأ غرور و هویت فرهنگی و منبع اهمیت اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود. مسکن همچنین دارایی بسیار آسیب‌پذیری است و تخریب خانه‌ها یا جابجایی و سلب مالکیت از آنها یکی از مهمترین اثرات محسوس سوانح می‌باشد.

بحران و بازسازی

واژه بحران بیش از ۵ قرن پیش مطرح شد. موضوع مدیریت بحران در بلایای طبیعی اولین بار در سال ۱۹۸۹ در هشتمین کنفرانس جهانی زلزله در آمریکا توسط «دکتر فرانس پریس» مطرح شد. عبارت امروزی مدیریت بحران برای اولین بار توسط «مک فاماکو»-با توجه به امکان درگیری مoshکی آمریکا و کوبا-عنوان گردید. در ایران در تاریخ ۱۳۴۸/۳/۱۷ قانون پیشگیری و مبارزه با خطرات سیل به تصویب مجلس رسید و بعد در سال ۱۳۸۶ قانون مدیریت بحران کشور به تصویب مجلس رسید که به صورت سازمان شکل گرفت. دو دیدگاه در زمینه چگونگی ایجاد بحران عبارت بودند از: ۱. بحران زاییده پیچیدگیهای تکنولوژی مدرن و عامل انسانی و خطاهای تصمیم‌گیری.» در عصر جدید و در هزاره سوم بحران‌ها واقعیتی جدایی ناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها گردیده‌اند. بحران‌ها در واقع در اثر رخدادها و عوامل طبیعی و غیرطبیعی (به طور ناگهانی) پدید می‌آید و سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند. مدیریت بحران برای مواجهه با موقعیت‌های غافل‌گیرکننده و غیرمنتظره پیش از هر چیزی نیازمند تجربه، آمادگی، مهارت، سرعت عمل، هوشمندی و خلاقیت است. مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری برای کاهش اثرات بحران است. دانشمندان بر این موضوع اتفاق نظردارند که در هنگام بحران بیشترین فشار بر مدیران سازمان وارد می‌گردد. از این رو مدیران برای مواجهه مناسب با

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۷۹

نوع، زمان و محدوده اش منحصر به فرد است، مشکلات پس از سوانح اساساً مشابه است. در کتاب «معماری و برنامه ریزی بازسازی»، مجموعه‌ای از هشت بخش مشتمل بر «بناهای زیرساخت‌ها، دارایی‌های اقتصادی، بخش اداری و سیاسی، روان‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی» به عنوان بخش‌های آسیب‌پذیر در برابر خسارات مادی و معنوی سوانح معرفی شده‌اند (آیسان، یاسمین و یان دیویس، ۱۳۸۲).

در پژوهش‌های سوانح نیز با توجه به اثرات گسترده آنها بر اعداد مختلف جامعه، رویکردهای مختلفی وجود دارد. مطالعات علمی سوانح و بازسازی، از یکسو به حوزه مباحث فلسفی، روان‌شناختی، موضوعات جامعه شناسی و سیاسی، اقتصادی و دیدگاه‌های رفتارشناسی و نظریه‌های سازمان اجتماعی گسترش یافته و از سوی دیگر شامل پژوهش‌ها و نظریه‌های زیست بوم انسانی درباره بلایای طبیعی و مطالعات تخصصی در رابطه با پیامدهای فاجعه و انواع هشدارها، مقابله با اثرات ناشی از فاجعه، ساماندهی کوتاه‌مدت و روش‌های بازسازی درازمدت و کوتاه‌مدت می‌گردد (علی‌الحسابی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲). آشنایی با رویکردهای مختلف پژوهش‌های سوانح، می‌تواند به شناخت بهتر و درک کاملتر موضوع بازسازی سکونتگاه و مسکن یاری رساند.

مشارکت و مشارکت در بازسازی

واژه مشارکت (بر وزن مفعاًله)، به معنای شرکت دوجانبه و متقابل افراد برای انجام امری است که در فرهنگ آکسفورد آن را کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنی کرده‌اند، اما واژه نیز همانند بسیاری از مفاهیم اجتماعی دیگر، (متناسب با بسترهای کارکرد) در حالتهای متفاوتی عنوان شده، به طوری که «گاهی خودجوش، مردمی و بر پایه تفکرات شخصی و در مواردی مدیریتی و تحمیلی، تفسیر شده است به طوری که در خصوص نقش ابزاری و هدف بودنش نیز اختلاف نظر فراوانی وجود دارد».

در کشورهای مختلف جهان روش‌های مختلفی در مورد مشارکت مردم در بازسازی مناطق زلزله‌زده ارائه یا به مواجهه گذاشته شده است. نمونه‌های متعددی

موجود تلاش می‌کند از بحران‌ها پیشگیری نماید یا در صورت وقوع آن‌ها، در جهت کاهش آثار، ایجاد آمادگی لازم، مقابله، امدادرسانی سریع و بهبود اوضاع تا رسیدن به وضعیت عادی و بازسازی تلاش کند (آیسان و دیویس، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

برنامه جامع و یکپارچه مدیریت بحران دارای اجزا و مراحلی است، که هر یک از مراحل آن باید در زمان خاص خود (قبل از بحران، در حین بحران و یا بعد از بحران) انجام شود، تا موفقیت برنامه در مقابله با بحران را تضمین نماید. بر پایه اصول و فرآیند مدیریت، مدیریت بحران شامل سه مرحله اساسی است. این سه مرحله شامل آمادگی در برابر وقوع بحران، امدادرسانی و پاسخگویی در شرایط رویداد بحران و بهبودی و بازسازی پس از بحران می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۳۴). همانگونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود فعالیت‌های مدیریت بحران در چهار مرحله پیشگیری آمادگی مقابله و بازسازی قابل دسته‌بندی هستند (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵).

بی‌تر دید تحلیل نقش و جایگاه توسعه ظرفیتی در جهت کاهش اثرات سوانح طبیعی (زلزله) شناخت چهار مؤلفه اساسی چون درک مفهومی توسعه، آسیب‌پذیری و ظرفیت محلی، شناخت مفهوم سانحه، درک مفهومی از ظرفیت و توسعه ظرفیتی و نیز شناخت رویکردهای مدیریت سوانح را الزامی می‌سازد. اگرچه سوانح و بلایای طبیعی و حوادث انسان‌ساز سابقه‌ای طولانی به قدمت حیات بشر در کره زمین دارند و انسان در طول حیات خود دائم‌آ در مواجهه با این گونه حوادث بوده و آسیبها و خسارات آن را متحمل گردیده است، لیکن بررسی علمی موضوع سوانح و روش‌های مقابله با آن و چگونگی شیوه‌های بازسازی و جبران خسارت، هنوز دانشی جوان به شمار می‌آید و مطالعات تئوری در پژوهش‌های سوانح بسیار محدود است. «دیویس و آیسان» با اشاره به تفاوت‌های موجود میان انواع سوانح، بر لزوم بررسی‌های علمی مناسب و متعدد در مطالعات سوانح تأکید دارند و در این خصوص اظهار شده است که علیرغم این که هر سانحه از نظر



نمودار ۱. چرخه اصلی مدیریت بحران؛ مأخذ: تیموری، ۱۳۸۳، ص ۲۲.

محیط و پیچیدگی‌های امر مداخله در کالبد روستا است و تصمیم‌گیران امر مسکن و سکونتگاه‌های روستایی لازم است نسبت به ابعاد پیچیده کارآگاه باشند» (زرگر، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹).

با این حال بررسی کارایی برنامه‌های بازسازی مسکن پس از سانحه نشان می‌دهد که کمک‌های خانه‌سازی غالباً سیر بهبود و بازگشت به حالت عادی را به تأخیر انداخته و علاوه بر آن نوعی وابستگی به وجود آورده است و همچنین ظرفیتها و استعدادهای يومی جامعه مصیبت زده به واسطه برنامه‌های ناقص و بی مطالعه به شدت آسیب دیده‌اند. این در حالی است که با توجه به حجم گستردگی سرمایه‌گذاریها و تحقیقات در بخش مسکن پس از سانحه و روش‌های مقاوم سازی، ساختمانهای پیش‌ساخته و برنامه‌های جابجایی سکونتگاه‌ها، میزان موفقیت این اقدامات و میزان پذیرش آنها از طرف جامعه آسیب دیده و نیز میزان تطابق آنها با نیازهای فیزیکی و فرهنگی ساکنان حائز اهمیت بوده و پایداری سیاستهای اتخاذ شده با هدف ایمنی در برابر سوانح آتی قابل ملاحظه است. جدول ۱. اقدامات جهانی صورت گرفته درباره آموزش

در داخل و خارج کشور می‌توان یافت که به دلیل مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و مراحل اجرایی، بازسازی مناطق زلزله‌زده موفقیت آمیز بوده است و می‌تواند دارای نکات بسیار آموزنده‌ای برای به کارگیری این تجربه باشد. تا قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی توجه عمده برنامه‌های بازسازی و مقاوم سازی کالبدی از سوی دولت و نهادهای حمایتگر بدون دخلت مردم محل انجام می‌گرفت؛ ولی فضاهای ایجاد شده با عملکرد ساکنان به واسطه ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی معین و مشخص هر محدوده زیستی، مطابقت و سازگاری لازم را نداشتند و با آشکار شدن آثار منفی ساخت و ساز یک جانبه دولتی، گرایش به سیاست دخالت مردم در امور بلایای طبیعی قوت گرفت. «در عین حال، در مورد ساختار مسکن و سکونتگاه‌های روستایی نباید ساده-انگاری کرد. مسکن و بافت روستایی برخلاف آنچه در ابتدا ممکن است به نظر برسنده، پدیده‌هایی چندجانبه و بسیار سنجیده و پیچیده‌اند. کالبد یک روستا بیشتر از تعدادی سرپناه و عنصر اصلی معماری روستا، خود روستایی است. بنابراین اولین گام در جهت مداخله صحیح، شناخت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۰

میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۱

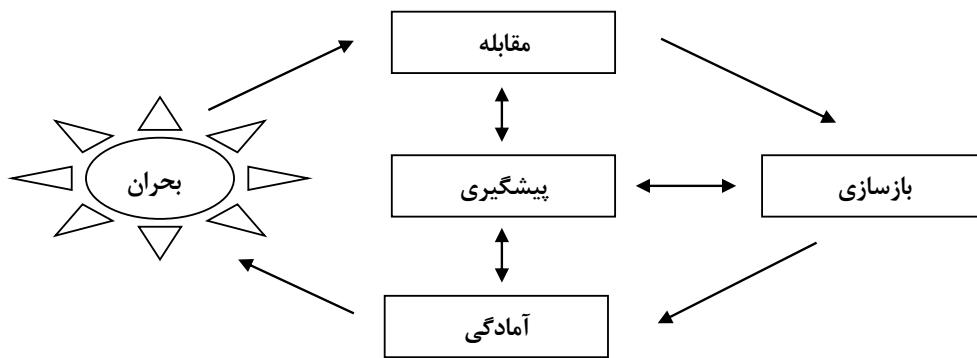
Jabjaiyi سکونتگاه های روستایی ناشی از فقدان شناخت کامل از پیچیدگی های روستا است که شرایط بحرانی پس از سانحه نیز آن را تشدید می نماید. لذا به منظور موفقیت در برنامه ریزی و طراحی بازسازی کالبد روستاها، باید ملاحظات همه جانبه ای نسبت به روابط متقابل ابعاد مختلف جامعه روستایی مدنظر قرار گیرد. نیازهای مردم آسیب دیده، مشارکت آنها در بازسازی و تلاش سازمانهای مسئول بازسازی به عنوان حلقه های اساسی زنجیره ای هستند که به بازسازی و توسعه می انجامد. حلقه مشارکت مردمی در ارتباط زنجیره ای نیازهای آسیب دیدگان و سازمان مجری متنضم است. حکام این دو حلقه بوده و بازسازی برای مردم و همراه با آنها شرط موفقیت بازسازی شمرده شده است. موضوع دیگری که مکرر تکرار شده و مشکل زا نیز بوده است، مسئله مدرنیزه کردن به هنگام بازسازی است. در فرایند بازسازی جامع، اغلب دیدگاه های اصلاح طلبانه که خواستار تغییرات بنیادی هستند و محافظه کارانه که به ترمیم خسارات می پردازنند، در مقابل هم قرار می گیرد. با توجه به ضرورت ایجاد تغییرات و نیز استمرار آنچه وجود داشته است، ایجاد تعادل میان این دو دیدگاه ضرورت دارد.

در دهه ۹۰ میلادی به رابطه میان توسعه و آسیب پذیری در برابر سوانح توجه خاصی مبذول شده است. توسعه می تواند موجب کاهش یا افزایش آسیب پذیری اجتماع شود و در این که کدام اقتدار اجتماع آسیب پذیری بیشتری را متحمل خواهد شد تعیین کننده باشد (UN-Habitat؛ ۲۰۰۷: ۱۷۴-۱۷۵)؛ بنابر گزارش بانک جهانی، خسارات ناشی از سوانح طبیعی در کشورهای در حال توسعه ۲۰ برابر کشورهای توسعه یافته است. وقوع سوانح ریشه های آسیب پذیری جامعه از جمله فقدان دسترسی مناسب به اطلاعات، منابع اندک اقتصادی برای حفظ امنیت، انهدام محیط زیست، کمبود شبکه های اجتماعی یا اقتدار ناچیز سیاسی را آشکار می نماید و میزان توسعه یافته گی یک جامعه در موفقیت بازتوانی و بازسازی آن نقش مؤثری دارد (آیسان، یاسمین و یان دیویس، ۱۳۸۲). «لیور» و مشارکت در زمینه مدیریت بحران؛ مأخذ: تقوایی و کریمی، ۱۳۹۰، ص ۲۵.

اغلب برنامه ریزی بازسازی مسکن بدون درنظر گرفتن فرایند معمول خانه سازی پیش از سانحه، تنها با محاسبه تعداد خانوارها، مواد و مصالح و میزان سرمایه موجود و نهايتاً طراحی چند الگوی محدود بر اساس سرمایه لازم جهت ساخت هر واحد راشه شده و بازسازی انبوه با استفاده از نیروهای آموزش دیده استخدامی، آغاز می گردد. بنابراین معیارهای موفقیت برنامه ها تنها از نظر مداخله گران و بدون توجه به جامعه محلی و رضایت آنها تعیین می گردد که شامل تعداد مسکن احدهایی در محدوده زمانی مشخص، میزان بودجه بکار رفته و درصد خانوارهای اسکان داده شده می باشد. از این رو پس از اتمام بازسازی هیچ مهارتی در جامعه ایجاد نشده، نیروهای محلی بکار نرفته، مصالح مورد استفاده اغلب در دسترس نبوده و افراد توایی تعمیر و نگهداری ساختمانهای جدید را ندارند. این چنین فرایند معمول مسکن در جامعه آسیب می بیند. این چنین مداخلات کوتاه مدت بدون توجه به اثرات برنامه ها بر جریان مالی، مالکیت زمین و فرایند ساختمندان سازی، پیامدهای بلندمدتی در جامعه ایجاد می کنند که اغلب خود مداخله گران از آن آگاهی کامل ندارند.

مروری بر متون نظری بازسازی، حاکی از آن است که تاده های گذشته تنها جنبه های کالبدی و ملموس مسکن از نظر فنی، اقتصادی و آن هم از نقطه نظر سازمان های مسئول مورد توجه قرار می گرft و در دهه اخیر همراه با اهمیت یافتن رویکردهای اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اهداف توسعه پایدار به تدریج ابعاد دیگر فرایند تأمین مسکن پس از سانحه و ظرفیتها و نیازهای جامعه محلی نیز مورد توجه قرار گرفت؛ بنابراین از آنجا که تنوع معماری روستاها، ناشی از تأثیر عوامل مختلف جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری کالبد روستا است که هیچ کدام به طور مستقل عمل نکرده و در رابطه با تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر قرار دارند. در مجموع به نظر می رسد عدم موفقیت بسیاری از برنامه های

در دهه ۹۰ میلادی به رابطه میان توسعه و آسیب پذیری در برابر سوانح توجه خاصی مبذول شده است. توسعه می تواند موجب کاهش یا افزایش آسیب پذیری اجتماع شود و در این که کدام اقتدار اجتماع آسیب پذیری بیشتری را متحمل خواهد شد تعیین کننده باشد (UN-Habitat؛ ۲۰۰۷: ۱۷۴-۱۷۵)؛ بنابر گزارش بانک جهانی، خسارات ناشی از سوانح طبیعی در کشورهای در حال توسعه ۲۰ برابر کشورهای توسعه یافته است. وقوع سوانح ریشه های آسیب پذیری جامعه از جمله فقدان دسترسی مناسب به اطلاعات، منابع اندک اقتصادی برای حفظ امنیت، انهدام محیط زیست، کمبود شبکه های اجتماعی یا اقتدار ناچیز سیاسی را آشکار می نماید و میزان توسعه یافته گی یک جامعه در موفقیت بازتوانی و بازسازی آن نقش مؤثری دارد (آیسان، یاسمین و یان دیویس، ۱۳۸۲). «لیور»



نمودار ۲. چرخه سیستم مدیریت جامع بحران؛ مأخذ: حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵.

اقدام لازم در جهت گیری جامعه به سمت توسعه «به خاطرسپاری سانحه» معرفی شده که در فرایند التیام بخشی جامعه مؤثر است و پیامدهای توسعه نامناسب را خاطر نشان می‌سازد. بدین ترتیب ادغام اصول کاهش خطر سوانح در برنامه‌های ساماندهی و بازسازی از اهداف مهم رویکرد توسعه‌ای می‌باشد و در این راستا موفقیت آمیزترین اقدام، مشارکت و همکاری میان مسئولان و جامعه محلی و جامعه مهندسی است تا عملیات و منابع دولتی، با توجه به حساسیتهای فرهنگی جامعه محلی، با ظرفیتهای فنی جامعه مهندسی ترکیب شوند و به بازسازی گذشته بهتر بیانجامد (UN-Habitat, ۲۰۰۷: ۲۱۶).

در این میان نقش مردم آسیب‌دیده در فرایند بازتوانی و بازسازی از افرادی «درمانده و محکوم» و نظاره‌گر به تدریج به «فعالان مشارکت کننده» در فرایند برنامه‌های پس از سانحه تغییر یافته است. تجربه نشان می‌دهند که انجام کلیه امور بازسازی توسط دولت و سازمانهای امدادگر بدون درنظر داشتن مردم، موجب بالا رفتن سطح توقعات جامعه، ناراضیتی آنها و اعمال تغییرات کالبدی و در نتیجه افزایش میزان آسیب‌پذیری گردیده است. در مقابل در متون مختلف بارها تأکید شده است که مشارکت مردم در عملیات بازسازی موجب انطباق طرحها و برنامه‌ها با نیازهای مردم، کاهش هزینه‌ها، پایداری برنامه، افزایش رضایتمندی جامعه و تسريع بازتوانی می‌گردد. «مشارکت مردم در بازسازی» پس از سانحه همواره با اهمیت و سودمند تلقی شده و با

با رویکردی اجتماعی و فرهنگی، یکی از مشکلات اساسی در موفقیت برنامه‌های بازسازی را سیستمهای اجتماعی سراسر جهان معرفی کرده و با اشاره به مقابله دو فرهنگ محلی و خارجی در شرایط پس از سانحه، بر اهمیت ساختارهای عمیق اجتماعی در برابر ساختارهای سطحی که معمولاً از دید مداخله گران خارجی پنهان است، تأکید می‌نماید و معتقد است سازمانهای خارجی نمی‌توانند راه حل‌های مناسب مسکن برای فرهنگ بومی ارائه دهند.

با توجه به اهمیت بازسازی مسکن پس از سانحه، علی‌الحسابی چند سؤال اساسی در بازسازی را چنین طرح نموده است (علی‌الحسابی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴):

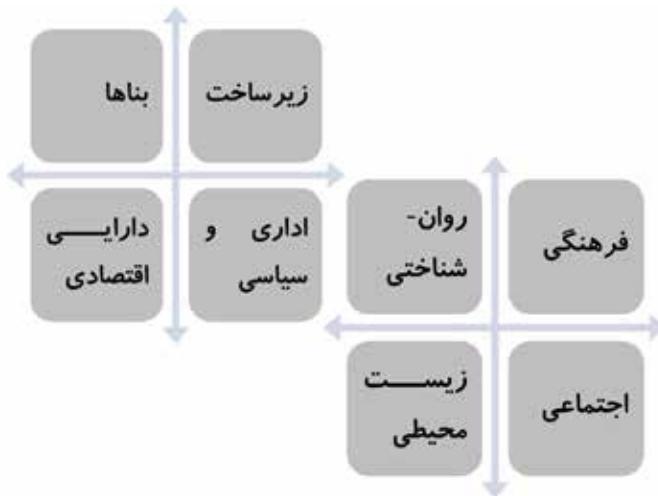
۱. ویژگی بازسازی و آنچه آن را زرond ساخت و ساز عادی متفاوت می‌کند چیست و چگونه قابل ارزیابی است؟

۲. چگونه می‌توان خانه‌ای ویژه برای مخاطبان خاص ساخت؟

۳. چگونه می‌توان طرحی انعطاف پذیر جهت انطباق با مراحل و ویژگیهای بازسازی داشت؟

۴. چگونه می‌توان عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ساخت مسکن را با عنصر زمان و مکان که در بازسازی مناطق سانحه دیده از مهم ترین عوامل به شمار می‌آیند، تلافی و هماهنگ نمود؟

همچنین در مورد ابعاد فرهنگی برنامه‌های پس از سانحه، در گزارش برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، با تأکید بر فرهنگ سانحه در جامعه، مهمترین



نمودار ۲. بخش‌های آسیب‌پذیر در برابر سوانح طبیعی؛ مأخذ: ترسیم

نگارنده بر اساس آیسان، یاسمین و یان دیویس، ۱۳۸۲.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

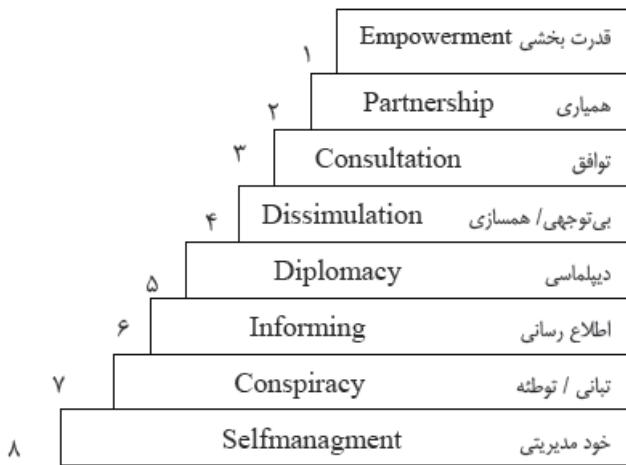
۳۸۳

طبیعت به خانه و نیز حفظ ارتباطش با آن در قالب فضای مصنوع خانه می‌کند؛ ۲. دوم؛ خانه دارای شانی انسانی است و به همین جهت برای خانه حیوانات از اصطلاح دیگری (لانه) استفاده می‌شود؛ واژه‌ای که گاه برای تحقیر و کوچک شمردن برخی خانه‌های نامطلوب نیز از آن استفاده می‌شود. این شان انسانی به عبارت دیگر همان توان پاسخگویی به طیف گسترده‌ای از نیازهایست؛ ۳. سوم؛ خانه برای تعداد دیگری از افراد، نقطه مقابل محل کار است، فضایی عمومی، با فعالیت‌هایی مشخص و محدود و میزان قابل توجهی از اعمال محدودیت. در این رویکرد، خانه با آزادی و اختیار و نیز حریم خصوصی در ارتباط معنایی قرار می‌گیرد؛ ۴. چهارم؛ هر فضای خصوصی ای حکم خانه راندارد. مردم از برخی فضاهای صحبت می‌کنند که گرچه خصوصی است ولی خانه قلمداد نمی‌شود. بنابراین خانه، فضایی حداکثری برای پاسخ به طیف وسیعی از نیازهایست؛ ۵. پنجم؛ خانه نوعی مقاومت و استحکام در ذات خودش دارد که لازمه استمرار آنست و خانه برای خانه شدن باید گذر زمان را پذیرا بوده و در خود جای دهد. این مسئله انتقال از سکونتگاه ناپایدار به پایدار، به لحاظ فرهنگی اتفاق مهمی تلقی می‌شده و برای همین انسان‌ها واژه خانه را ساخته‌اند که بر تمايز

گذشت زمان ضرورت آن هرچه بیشتر به اثبات رسیده است. در کشورهای مختلف جهان در مورد مشارکت مردم، تعاریف، فرضیه‌ها و روش‌های مختلفی ارائه شده یا به تجربه گذاشته شده است. در تمام این روشها نقش مردم بین حضور و مشارکت مردمی است که عمدهاً خود به عنوان افراد ذینفع در طرحهای بازسازی مطرح می‌باشند. طی نیم قرن گذشته، مشارکت مردم به عنوان یک استراتژی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی در نتیجه یک درک جدید از توسعه مطرح شده است. با این که در کشورهای در حال توسعه به طور گسترده‌ای مشاهده می‌گردد که برنامه‌های توسعه به دلیل سیاستهای متمرکز به هدف خود نرسیده‌اند، موفقیت برنامه‌های بازسازی و عمرانی، ناشی از سطح بالای مشارکت مردم بوده است.

نتیجه‌گیری و جمعبندی

در رابطه با مفهوم مسکن باید گفت که؛ ۱. اول؛ خانه، فضایی امن است که انسان در مقابل ناامنی نهفته در طبیعت، ناگزیر برای خود می‌سازد ولی به محض قرار گرفتن در چهاردهیواری آن، احساس دلتگی برای طبیعت و نیز نگرانی بی خبری از احوالات آن و خطرات احتمالیش اجازه نمی‌دهد که این انقطاع را پذیرا باشد. برای همین به شیوه‌های مختلف سعی بر آوردن



نمودار ۴. طبقه‌بندی ارنشتاین از مشارکت، مأخذ: L.Eklund, ۱۹۹۹، p. ۳۷.

آن رفت مسکن از لحاظ بیرونی و درونی نیز قابل بحث است به این صورت که از لحاظ درونی همچنان که بحث آن رفت مسکن از لحاظ شرایط فیزیکی و فرهنگی معقول باشد. ولی این مسکن که در رابطه با محیط بیرونی خود نیز باید هماهنگی داشته باشد و بطور قطع مسکنی که از لحاظ شرایط درونی کامل است ولی از لحاظ انطباق با محیط بیرون مثلاً از نظر شرایط فرهنگی انطباق کافی نداشته باشد چندان مطلوب نخواهد بود.

بررسی معماری جدید روستاهان نشان می‌دهد که بافت روستاهای سرعت در حال تغییر چهره دادن و دور شدن از نظام ارزشمند روستایی و شبیه شدن معماری روستاهای به معماری شهری می‌باشد. بلاخیز بودن کشور و نیاز به تامین مسکن جدید، نوسازی بافت روستاهای امری گریز ناپذیر نموده و اقتصاد ضعیف روستائیان انجام این مهم را بدون حمایت و مشارکت دولت ناممکن می‌سازد. بررسیها نشان می‌دهند، علی‌رغم تحقق اهداف کمی طرحهای مسکن روستایی در ایران، ابعاد کیفی آن چندان موفقیت آمیز نبوده و این در حالی است که پرداختن به الگوهای بومی از همان مراحل آغازین، جزء رسالت طرح بوده و اقدامات گوناگون در این راستا انجام پذیرفته، که مهمترین آنها تدوین الگوهای بومی مسکن روستایی توسط مشاورین مادر می‌باشد، اما با این وجود ساخت و سازهای معاصر روستایی از تامین

این فضای سکونتی از سایر فضاهای پیشینش تاکید کنند؛ ۶. ششم؛ درنهایت خانه به یک معنا، سرمایه و دست‌ساخته مهمی است که به عاملی برای قشر بندی اجتماعی جامعه محسوب می‌شود.

همچنین باید گفت که؛ مسکن یا فضای زندگی از دو جهت باید کارایی داشته باشد: ۱. یکی از نظر جوابگویی و ایجاد محیط راحت از جنبه شرایط فیزیکی یعنی ایجاد محیطی با درجه حرارت مطلوب، فشار مناسب، رطوبت معقول و کوران هوا و نور مناسب و نظایر آن و ۲.

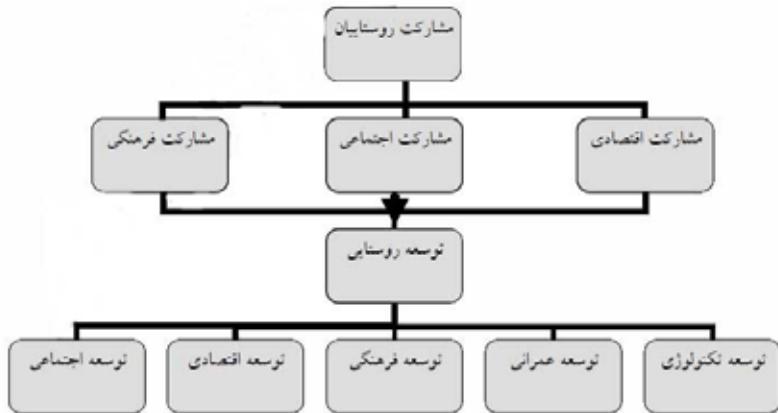
دیگری از نظر جوابگویی به نیازهای معنوی مردم، یعنی ایجاد فضاهای مناسب با طرز زندگی و نوع فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی، این دو شرایط اگر با هم به کاملترین نحوی جمع شود ایجاد مطلوب‌ترین مسکن را خواهند نمود.

اگر هر کدام از این دو جنبه کمبودی داشته باشد مسکن به نحو خوبی پاسخگو نخواهد بود. به عنوان مثال مسکنی که از لحاظ شرایط فیزیکی با بهترین حالت طراحی و با استفاده از بهترین تکنولوژی به حالت بهینه باشد ولی فضای مناسب با طرز زندگی افراد نداشته باشد به هیچ وجه مطلوبیت نیست و بر عکس ایجاد فضایی کاملاً منطبق با شرایط فرهنگی ولی فاقد شرایط زیستی غیرقابل تحمل است. موضوع مطلوبیت مسکن از لحاظ بیرونی و درونی نیز قابل بحث است به این صورت که از لحاظ درونی همچنان که بحث

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۴



نمودار ۵. تاثیر مشارکت روستاییان بر توسعه؛ مأخذ: افتخاری و فیروز نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵.

مالی مشروط و قانونمند به همراه حمایت فنی با هدف احداث خانه های مقاوم.

۳. «رویکرد بازسازی توسط جامعه»: رهبری توسط نهادها، با مشارکت فعال جامعه در تصمیم گیری و مشاوره.

۴. «رویکرد بازسازی پیمانکار محور در جاسازی در محل»: اجرا توسط نهادها و به کارگیری شرکت های پیمانکاری، به منظور در جاسازی خانه های تخریب شده.

۵. «رویکرد بازسازی توسط پیمانکار در سایت جابه جا شده»: اجرا توسط نهادها و بکارگیری شرکت های پیمانکاری، به منظور احداث خانه های جدید در سایت جابه جا شده.

منابع و مأخذ.

آهنچی، محمد (۱۳۷۶) مدیریت سوانح: سوابق، مفاهیم، اصول و تئوریها، کتاب یکم، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش و تحقیقات: تهران.

آیسان، یاسمین و یان دیویس، (۱۳۸۲) معماری و برنامه ریزی بازسازی، ترجمه دکتر علیرضا فلاحتی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران. بهرامی، رحمت الله (۱۳۸۷) تحلیلی بر آسیب پذیری سکونت های روستایی در برابر زلزله: مطالعه موردی استان کردستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱،

کیفیت فضایی مطلوب فاصله زیادی دارد. این مشکلات را می توان در اثر دو عامل: «۱- عدم جامعیت الگوهای تدوین شده و ضعف آنها در انطباق با تمام جوانب زندگی روستایی؛ و ۲- موانع اجرایی» طبقه بندی نمود. بازنگری این دو عامل در عملکرد چهار حوزه درگیر با معماری مسکن روستایی، یعنی روستائیان به عنوان کارفرما، دفاتر فنی و مهندسی به عنوان نیروی متخصص، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان متولی اجرا و مشاوران مادر به عنوان تهیه کنندگان الگوهای مسکن روستایی، نشان دهنده این موضوع هستند که علی رغم وجود بعضی مشکلات در الگوهای تدوین یافته، فرصت مناسب جهت ایجاد ساز و کار لازم برای اجرای کامل الگوهای مسکن روستایی به وجود نیامده است.

به طور کلی، پنج رویکرد در اکثر پژوهه های بازسازی مسکن پس از سانحه به کار گرفته شده اند. رویکردهای مذبور در برخی اوقات به صورت ترکیبی و با توجه به مقیاس خسارت، شدت واقعه، وضعیت اقتصادی و اتخاذ می شوند:

۱. «رویکرد پول نقد»: کمک مالی بی قید و شرط از جانب دولت و نهادهای مسؤول به مالک خانه بدون حمایت فنی.

۲. «رویکرد بازسازی با هدایت مالک»: کمک

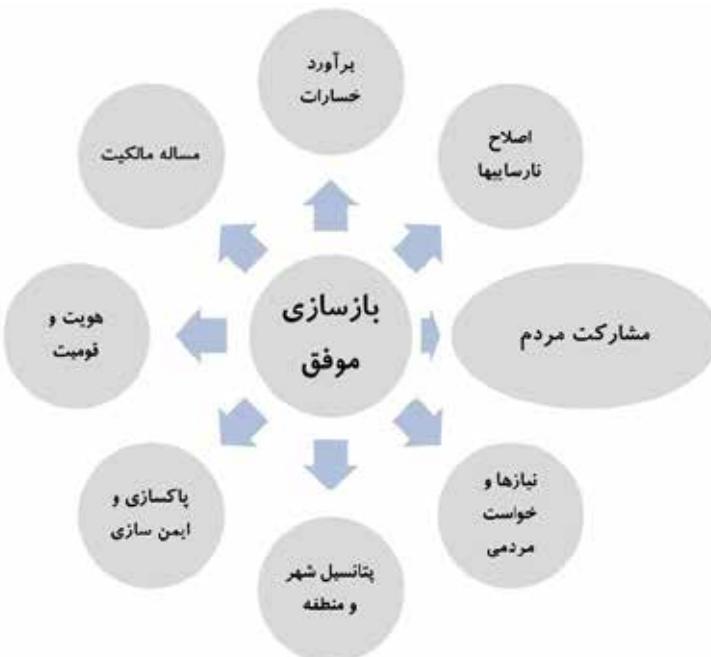
جدول ۱. اقدامات جهانی صورت گرفته درباره آموزش و مشارکت در زمینه مدیریت بحران؛ مأخذ: تقوایی و کریمی، ۱۳۹۰، ص ۲۵.

کشور	اقدامات صورت گرفته درباره آموزش و مشارکت شهروندان
ژاپن	برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه پیشگیری از حریق، تهیه برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، چاپ و انتشار نشریات و جزوای مختلف برای گسترش دانش ایمنی جامعه، تعیین روز پانزدهم هر ماه در شهر یک‌هااما به عنوان پیشگیری از بلایا و دعوت از تمامی شهروندان برای انجام فعالیت‌های پیشگیری از حوادث و آتش سوزی، نام گذاری روز ۹ نوامبر به عنوان روز به یاد داشتن شماره تلفن آتش نشانی و روز ۲۶ فوریه، به عنوان روز پیشگیری از آتش سوزی در بنای فرهنگی (تقوایی و ترک زاده ۱۳۷۸: ۱۳۰).
آمریکا	آموزش عمومی اصول مبارزه با آتش و رعایت اصول پیشگیری از حریق، ایجاد «اجمن غیر دولتی حفاظت از حریق آمریکا N.F.P.A.»، نام گذاری روز ۹ اکتبر به عنوان روز ملی پیشگیری از حریق (قاسملو، ۱۳۸۲: ۵۸).
انگلستان	بهره گیری از مشارکت آموزگاران در فعالیت‌های آتش نشانی، ایجاد نهاد Understanding British (UBI industry) به منظور کارورزی آموزگاران برای بهبود پیوند‌های میان آموزش و اشتغال از طریق شناختی دو جانبه (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۳۱). اختصاص ستون ویژه‌ای از آموزش‌های عمومی در مطبوعات، تهیه مجله بین‌المللی آموزش عمومی اصول پیشگیری از حریق به نام Fire International در این کشور (ملاغلی، ۱۳۷۸: ۲۸).
ایتالیا	پکار گرفتن نیروهای داوطلب مردمی در کنار نیروهای حرفه‌ای آتش نشانان، ارائه لیاس‌های فرم و تجهیزات به نیروهای داوطلب، تلاش در زمینه آموزش و تمرین کافی نیروهای داوطلب، وجود ۸ دسته نیروی داوطلب شامل ۳ هزار نفر شهروند در کنار آتش نشانان حرفه‌ای، ایجاد نیروهای متنوع مردمی از قبیل شهروندان عادی، گروه‌های داوطلب غیر نظامی، انجمن‌ها و تشکل‌های غیر حرفه‌ای (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۲۹).
چین	ایجاد ۱۳۵ هزار دسته آتش نشانی داوطلب در حدود ۱۰ میلیون نفر عضو، آموزش کودکان و نوجوانان در زمینه فعالیت‌های ایمنی و امدادی، ایجاد جلسات اطلاع رسانی درباره پیشگیری از حریق برای دانش آموزان خردسال در مدارس شهر، ایجاد دسته‌های آتش نشان نوجوان در سراسر چین (همان: ۱۳۰).

دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۶



نمودار ۶. الزامات یک بازسازی موفق و پایدار؛ مأخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. مطالعات انجام گرفته و نتایج و رهنمودهای حاصل از آن؛ مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعات تحقیق.

ردیف	صاحبنظر	محقق و	محل و مورد پژوهشی	نتیجه تحقیقات و رهنمودها
۱	Coburn et al., 1984, 50	زده اشنان زلزله پیغمبر زلزله	شهری زلزله	(*) ضرورت مشارکت فرآیند روستاییان در برنامه فرایند بازسازی؛ (*) وجود حمایتها در جهت بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان در چرخه مدیریت بحران و فرایند بازسازی؛ (*) تلاش در زمینه بازگشت زلزله زدگان به زندگی موفق و کامیاب که مشارکت آنان را در برنامه بازسازی افزایش می‌دهد.
۲	Lesline, 1986, 41	سامپر زلزله زده	منطقه زلزله زده	(*) دلیل موقعيت نسبی مشارکت در بازسازی: ۱. برنامه آموزشی روستاییان زلزله‌زده؛ ۲. جلب‌نظر روستاییان به خطرهای ساختمان‌های غیرمستحکم؛ ۳. افزایش آگاهی آنها از خطر زمین‌زلزله؛ ۴. پیشنهاد تکنیک‌های ساده محکم‌کاری و ۵. استفاده از مصالح و مهارت‌های محلی تأثیرگذار در مشارکت مردم در بازسازی مسکن مناطق زلزله‌زده روستایی.
۳	همکاران، ۱۳۶۵	مبادر شعبی و همکاران	مبادر شعبی زلزله زده	(*) عوامل موقعيت مشارکت زلزله‌زدگان در بازسازی: ۱. مدیریت و تولی گری رهبران محلی؛ ۲. بصیرت معماران؛ ۳. طراحانی که آموخته بودند چگونه به نیازهای مردم گوش فرداشند و از طریق مهاراتی خود این نیازها را برآورده سازند؛ ۴. کمیت‌هایی از مردم که نیازها را به طراحان منتقل می‌کرند و بعد از خود به یکی از رکن‌های فرایند تضمین‌گری بدل شده‌اند.
۴	Wood and Anderson, ۱۹۸۹	تل های زلزله زده پیمانه اسلاما خانه	تل های زلزله زده در پیمانه اسلاما خانه	(*) توجه به مشارکت مردم دلیل اصلی موقعيت پروژه خانه‌سازی در گوانما؛ (*) ایجاد و توسعه شبکه‌ای از سازمان‌های جمی محلی؛ (*) منتقل ساختن اصول ساختمناسازی مقاوم در برابر زلزله به مردم؛ (*) استخدام کارکنان از روستاییان و ساکنان هر محل تا حد امکان. (*) ایده خوداتکایی و دخالت مردم محلی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی؛ (*) استفاده از کارکنان مروج، از میان ساکنان بوصی روستایی؛ (*) استفاده از پروژه‌ها و طرحهای مسکن مطلوب و سازگار با مناطق روستایی زلزله‌زده در داخل جامعه به جای استفاده از پروژه‌های وارداتی؛ (*) استفاده از تیم کارگران محلی هم به عنوان نیروی کار و هم پیشنهاددهنده لازم برای طراحی.
۵	Marcilia, Syam Rachma & Ohno, Ryuzo (2012)	تل های زلزله زده در پیمانه اسلاما خانه	تل های زلزله زده در پیمانه اسلاما خانه	(*) اهمیت بازسازی مسکن با حساسیت فرهنگی و اعمال مولفه‌های فرهنگی بر آن، (*) اهمیت موارد مربوط به کاربرد خانه، تطبیق رفتار، ارزیابی و مشارکت در فعالیت‌های جامعه روستایی؛ (*) نارضایتی نسبت به طراحی غیرقابل تغییر مسکن‌های اهدا؛ (*) اهمیت دهنی به تعاملات اجتماعی، انعطاف‌پذیری و طراحی باز در محیط‌های ساخت برای بازسازی مناسب بعد از سانحه؛ (*) همگوئی تغییرات فیزیکی و توسعه از حالت موقت به دائم مانند گسترش اندازه و تعداد آناتق، تغییر فضای تغییر کاربری، با نظرات و رضایت ساکنان و زلزله‌زدگان؛ (*) اهمیت فضایی مهمان به عنوان یک فضای تعامل اجتماعی؛ (*) اهمیت بالای فضای خصوصی به تعداد کل آناتق‌ها و اضافه کردن آناتق خواب؛ (*) ارتباط فضای تعامل اجتماعی و فضای خصوصی به طور همزمان؛ (*) التفات به آرایش و تخصیص فضای «خودی» (شخصی) و «دیگران» (فردی) و اینکه چگونه به آرایش فضایی ثابت و نیمه‌ثابت عنصر خانه‌ها اقدام شود، چگونه باید انجام شود؛ (*) حساسیت نیازهای فرهنگی ساکنان خاصه در مساکن اهداشده در مناطق زلزله‌زده روستایی؛ (*) عدم اجبار به انتباق و وفق یافتن با نیازهای فیزیکی و رفتاری مسکن‌های جدید؛ (*) حفظ شیوه زندگی فردی و اجتماعی قبلی روستاییان؛ (*) اهمیت رفتار اجتماعی و اهمیت معانی، ارزشها و ایده‌آل‌های رفتار اجتماعی در شناخت روستاییان از فضاهای در خانه و همچنین تطبیق رفتار آنها.
۶	Gopalan, ۱۹۷۳	درباره بازطريق ونطاق زلزله هند	تل های زلزله زده در پیمانه اسلاما خانه	(*) تشکیل گروههای از زنان برای ایجاد در امدادی، (*) یافتن امکاناتی برای کار کردن زنان روستایی با یکدیگر، (*) ایجاد زمینه‌های کسب پول و شغل خانگی برای زنان زلزله‌زده روستایی؛ (*) عوچدهد گرفتن تنشی تعیین کننده و سهیل گر گروههای زنان را در اصلاح و تقویت برناهای بعد از زلزله.
۷	دبورکاری، ۱۳۶۹	بلد سازی مناطق روستایی	تل های زلزله زده	(*) عدم موقعيت فرآیند پروژه‌های بازسازی سازمان‌های بین‌الملی در ایران بعد از وقوع زلزله؛ (*) نادرست بودن شیوه های مردم استفاده برخی از این گروههای به مانند شیوه دولتی استفاده از مقاطعه کاران شهری و نادیده گرفتن مشارکت روستاییان حاده‌دیده؛ (*) عدم انتباق فرایندهای بازسازی با شایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی روستایی در پروژه‌های مانند روستاهای دوزخ در بخش خرقال ساوه با منصدی گری دولت هلاند؛ (*) کاهش بافت سکونتی ادائی در بافت موجود روستا؛ (*) عدم بازشناستی ساختمانها و بافت‌های احداث شده در هنگام زلزله مناطق روستایی.
۸	Huang & Long, ۲۰۱۵	تل های زلزله زده Wenchuan	تل های زلزله زده	(*) توجه به شرایط اقلیمی و معماری همانگ با زیست بوم منطقه؛ (*) ارائه استراتژی برای بهبود محیط حرارتی تابستان سکونتگاه موقت پس از فاجعه، (*) توجه به طراحی پنجره، موقعیت آناتق در پلان ساکن روستایی و موقعیت خانه در بافت روستا؛ (*) توجه در ساخت و برنامه‌ریزی طراحی سکونتگاه‌هایی موقت با تراکم ساختمانی بالا؛ (*) توجه به طراحی پنجره، عایق‌کاری سه‌گوش کنار شیروانی و رابطه بین دیوار پیرامون و ساختمان در لبه سکونتگاه.

<p>(*) توجه بیشتر به طرفیت سازی در مقیاس کوچک و مسائل مربوط به بهبود اجتماعی به جای برنامه های توسعه در مقیاس بزرگ به بخش کشاورزی و گردشگری؛ (*) ارتباط بالقوه بین ایجاد دانش و تجربه و استفاده از فرصت های پس از فاجعه؛ (*) بالا بودن موقعیت در مواردی مانند کاهش خطرات و بنت از یم در لست خطر میراث جهانی، در زمینه همکاری و مشارکت گروههای مختلف در گیر در بازاری.</p>	<p>(*) بازسازی فیزیکی به وسیله بازاری یا بهبود زیرساختها و روابط خانه های موجود شهر و روستاهای آسیب دیده همچوar در اسرع وقت؛ (*) ساخت خانه ها فقط برای صاحبان خانه آسیب دیده از زلزله؛ (*) مصادیه هایی با مددگران مرتبط درباره فرآیند بازسازی و مقوله مشارکت آفرینی روستاییان زلزله زده؛ (*) تحلیل پرروزه های مسکن دائمی با توجه به سطح مشارکت اجتماعی؛ (*) پادشاهی های مسکن پس از فاجعه در یک دیدگاه گستره دای شامل متغیرهای اجتماعی، روانی و محیطی که در میان مقوله های مسکن چند برازی زلزله دگان روستاهای دارای اهمیت است؛ (*) تخصیص گیرندگان در ساخت مسکن پس از فاجعه باید تمام مرافق مسکن سازی را نه تنها از نقطه نظر فیزیکی بلکه از نظر مولفه های اجتماعی نیز در نظر بگیرند؛ (*) بازسازی روانی جامعه متأثر باید از نقطه نظر نوع دوستانه و رویکردهای فیزیکی؛ (*) تعین انتظارات کاربر در فرایند طراحی؛ (*) توجه به مشارکت قربانیان در روند بازسازی و تولید محیط در بازسازی مناطق آسیب دیده؛ (*) تعریف نقش دولت محلی در بازسازی مسکن؛ (*) تعامل بازسازی های اجتماعی و فیزیکی در تخصیص گیری های کاربردی فضاهای؛ (*) اجرای پروژه های مسکن در مقیاس کوچک در مناطق روستایی؛ (*) جابجایی افراد مصیبت زده به مکان های جدید و امن و ایجاد یک جامعه انعطاف پذیر در مناطق روستایی زلزله زده؛ (*) افراد مختلف با رده های مختلف اجتماعی و روابط همسایگی قدیمی باید در همان محله با جایی نزدیک آن جمع شوند. این رویکرد سطح تجسس جامعه را تسريع می کند و مانع تخصیص بندی اجتماعی می شود. (*) حداقل سازی تطبیق با محل جدید برای قربانیان زلزله از طریق تغییر در سازماندهی فضایی؛ (*) تحرک اجتماعی و امکان سنجی توسعه تدریجی و حتی جابجایی اجتماعی باید در نظر گرفته شده و پیش بینی هایی برای آینده باید صورت گیرد. (*) روش های تخلیه باید از نقطه نظر اجتماعی نیز در نظر گرفته شوند. (*) سازمانها و ذینفعان مختلف (نه تنها صاحبان خانه و خانواده های کم درآمد بلکه مستاجران) باید نقش مستقیم در فرایند مسکن داشته باشد. (*) بلاای می توانند به افزایش کیفیت ساختمان در منطقه کمک کنند، همچنین می توانند باعث تغییرات سیاسی نیز شوند.</p>	<p>ملحق روشنی زلزله شهرستان در ترکیه</p>	<p>۱۰</p>	
<p>(*) ادراک خطر به عنوان یک مسئله مهم در پیش قدمی کاهشی پیش از فاجعه؛ (*) سرمایه اجتماعی به عنوان یک عنصر مهم در فرایند های بازیابی و بازسازی؛ (*) تشكیل جلسات مشورتی در مناطق زلزله زده روستایی و تسهیل تخصیص گیری جمعی؛ (*) التفات به فرایند تخصیص گیری به پیوند سرمایه اجتماعی (عوامل مربوط به انسجام جامعه)، ارتباط سرمایه اجتماعی (ارتباط با تخصیص گیری دولت)، و پل زدن سرمایه اجتماعی (از طریق شبکه های چندبخشی)؛ (*) توجه به نقش مهم رهبری و نظردارت در استفاده از سرمایه اجتماعی برای ایجاد یک صدای مشترک در فرایند بازسازی؛ (*) اعتماد به رهبران جامعه، شبکه ها، هنجارها، اقدامات جمیع در جامعه، به سرمایه اجتماعی بالای گروه مربوط بود، و در نتیجه منجر به افزایش شفافیت و سرعی تر تخصیص گیری های می شود. (*) سرمایه اجتماعی بالاتر، موجب سرعت بارگیری سرعتی و منجر به روند بازسازی جامع فضاهای و مسکن های روستایی می شود. (*) با وجود تفاوت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، روند بازسازی و عناصر کلیدی آن - یعنی سرمایه اجتماعی بالا و رهبری قوی در جامعه - برای موقعیت در بازسازی مسکن.</p>	<p>زلزله Gujarat و Kobe</p>	<p>Nakagawa and Rajib Shaw, 2004</p>	<p>۱۱</p>	
<p>(*) از یک سوس، کاربران در پروژه ها تنها به عنوان نیروی کار درگیر هستند، در حالی که از سوی دیگر، آنها یک نقش فعال در تخصیص گیری و مدیریت پروژه بازی می کنند. (*) تأثیر روش های مختلف بر «کجا، چه زمانی و چگونگی» فرایند بازسازی با توجه به ترکیب کاربران به فریندهای طراحی سازمانی و فنی؛ (*) مشارکت کاربران در پیش تخصیص گیری (در طراحی بروزه و برآمده ریزی مراحل، از جمله طرفیت انتخاب منفی) از بین یک سری از گزینه های ارائه شده به آنها منجر به نتایج مثبت از نظر روند ساخت و ساز و تابع می شود. (*) مشارکت اجتماعی ایده آلان؛ (الف) اشکال متعددی به خود می گیرد و (ب) در اکثر موارد، واقعه در بازسازی در زمین و عمل اتفاق نمی ثاند. (*) این امر می تواند احتمانه باشد که یک مدل نظری واحد را برای مشارکت پیشنهاد داد و آن را به تابع پروژه های بهتر دلالت داد.</p>	<p>زلزله الساخون و هرمنداد (تركیه)</p>	<p>Canknak و Canknak Beyciler (تركیه)</p>	<p>Davidson, Colin H., Cassidy Johnson, Gonzalo Lizarralde, Nese Dikmen, Alicia Siwińska; 2006</p>	<p>۱۲</p>
<p>(*) از نظر فضاهای بیرونی خانه ها و ویژگی های کلی، بین ساکنان کسانی که در فرایند طراحی و ساخت و ساز شرکت کرده بودند و آنها که شرک نکرده بودند، تفاوت معنی داری وجود ندارد. (*) در ضمن در مورد نیازهای روانی و کیفیت فضاهای داخلی، میزان رضایت کاربرانی که در روند طراحی و ساخت و ساز شرکت کرده بودند بالاتر از آنها بود که شرکت نکرده بودند. (*) تنها کاربران خوشحال بودند از اینکه در این فرایند طراحی و بازسازی در گیر شده اند، بلکه آنها از اتفاقات هاشان نیز راضی بودند. (*) پس از یک رویداد بسیار منفی مانند زلزله، افرادی در یک گروه کوچک از مردم مشاهده شده است: مثلاً مردمی که درآمد پایین داشتند و قبل از زلزله در خانه های غیرقانونی و نادرست ساخته شده از مواد نامرغوب زندگی می کردند، به زندگی در کپرهای موقت پس از زلزله ادامه دادند.</p>	<p>م مل بررسی از زلزله Dizce</p>	<p>ÖNDER; Deniz ERGİNSEL, Emine KÖSEOĞLU, Ömer BGİLEN, Venha DER (2010)</p>	<p>۱۳</p>	

مدرسہ شری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۸

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۸۹

<p>(*) نقش ساکنان مستویت پذیر علاوه بر زمینه های مختلف سیاسی و قانونگذاری مدیریتی در فرایند بازسازی، (*) اکثریت ساکنان و سازندگان یک تاثیر مثبت در حفظ میراث فرهنگی داشته اند.</p> <p>(*) پس از ساخت وسازهای دولت در مناطق زلزلهزده، مردم برای بروکردن ساختمان های بعدی دوباره به روش های سنتی و محلی روی آورده اند.</p> <p>(*) توجه به اصل لزوم برنامه ریزی منطقه ای در مناطق زلزله خیز، (*) انتخاب مکان شهر در محل مناسب، (*) طراحی فرم انعطاف پذیر، (*) رعایت ضوابط ارتقای کیفی اینبهی به خصوص ساختمنهای مسکونی، (*) شبکه ارتباطی کارآمد، (*) در نظر گیری فضای باز، (*) توجه به کاربری های با اهمیت زیاد، (*) توجه به شبکه آبرسانی، (*) توجه به سیستم برق رسانی، (*) موارد قابل توجه در ارتباط با سیستم گازرسانی، (*) توجه به فاضلاب و ضوابط مربوط به آن، (*) ضوابط مربوط به آتش سوزی؛ (*) حل مسئله مالکیت برای روستاییان در بدو امر بازسازی، (*) استفاده از مشارکت مردم در تمام مراحل بازسازی، (*) بازسازی اقتصادی (احیای بینان های اقتصادی نابود شده)، (*) حفظ هویت و تداوم تاریخی شهر، (*) تأمین عدالت در توزیع امکانات بین اهالی شهر، (*) انتخاب مکان شهر در محل مناسب، (*) تقدیم بازسازی زیرساخت ها بر بازسازی مسکن.</p> <p>(*) توجه به موضوع میشست، اشتغال و درآمد خانوارها علاوه بر خانه سازی در برنامه های بازسازی، (*) بازسازی صرفاً خانه سازی نیست؛ بلکه شامل طیف وسیعی از مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، معیشتی و محیطی است که باید مورد توجه قرار گیرند.</p> <p>(*) عدم برخورد تبیین آمیز و ناعادلانه مسوولان بازسازی و مدیریت ساخت متفاوت در روستاهای مختلف؛ (*) عدم نظارت کافی مدیریت بازسازی بر گروههای مختلف و غیر فی و ناقص بودن طرح ها و نقشه های اجرایی توسط گروههای مردمی بدون استفاده از نیروهای متخصص؛ (*) دولت نباید در اموری که آسیبدیدگان خود قادر به انجام آن هستند مداخله کند و نباید در اموری که آنها به تهیه نمی توانند آن را به انجام برسانند باید باری شان دهد. (*) توجه به امکان توسعه واحد های مسکونی چنانچه به دلیل محدودیت زیربنای احتمالی با نیازهای خانوار، پس از مددی ساکنان واحد مسکونی را توسعه داده اند. (*) توجه به امکان توسعه واحد های مسکونی چنانچه عدم پیش بینی فضای لازم برای توسعه واحد های مسکونی در بعضی از روستاهای موجب شد عماری واحد های مسکونی با افزایش نامناسب واحد های بسیار پیچیده و نامناسب گردد و فضاهای عملکرد و کارآمدی لازم را نداشته باشند. (*) عدالت در میزان سرمایه گذاری دولت برای زیرساختها.</p> <p>(*) برخی از مشکلات جابجایی مربوط به فاصله از زمین های کشاورزی، ابعاد قطعات زمین، جهت ساخت سکن و توسعه آنی، درگیری های اجتماعی بین جوامع مختلف، بیکاری و مشکل رفت و آمد میان روستاهای قیمی و جدید به دلیل فقدان فضاهای کافی دام و انبار در روستاهای جدید می باشد. (*) امکان گزینی با مشورت نمایندگان روستا و خانوارها، ارائه قلمه زمین های بزرگ ترددیک به روستایی قدیم و امکان انتخاب همسایه ها توسط خانوارها از عوامل مؤثر بر میزان رضایتمندی افراد از جابجایی سکونتگاهی است؛ (*) بیزان بهره گیری از امکانات، ایجاد معابر عریض جهت جابجایی محسولات کشاورزی و همچنین شباهت طرح هایی بافت به روستای قدیم نبزد بر میزان رضایتمندی افراد افزوده است.</p> <p>(*) افزایش میزان آگاهی مردم از نحوه تأمین اعتبار مسکن، (*) رضایت افراد از مسکن جدید و اندازه حیاط، (*) راحتی افراد در مسکن جدید در مقایسه با مسکن قدیم، (*) تناسب مسکن جدید با شغل افراد، (*) تغییر شغل افراد در اثر جابجایی روستاهای میزان برخورداری از تأمیسات زیربنایی نسبت به شرایط قبل از ساخته، (*) اهمیت مشارکت آسیبدیدگان در جابجایی سکونتگاه، و انتخاب مکان جدید روستاهای و ساخت مسکن روستایی.</p>	<p>پیش زلزله Friuli و شمال شرقی ایتالیا و دره زهه، طبس، زنجان و خراسان Upper Soca (جنوب غربی اسلوونی) در پیات، ۱۳۸۲</p> <p>بازسازی زلزله ۱۹۸۵ ضماد در چین Barakat, 1993</p> <p>بازسازی زلزله ۱۳۶۱ بوئن زهرا عین‌ماقی ۱۳۹۸</p> <p>بازسازی زلزله ۱۹۹۱ نواحی روستایی اسپلی میلان پس از زلزله Fallahi, 1996</p> <p>اسکان دائم بعد از زلزله ۱۳۷۷ اردبیل</p>	<p>۱۵</p> <p>۱۶</p> <p>۱۸</p> <p>۲۰</p> <p>۲۱</p> <p>۲۲</p>
---	--	---

- شهری، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
فلاحی، علیرضا (۱۳۸۳) نقش خودامدادی محله‌ای در مدیریت سوانح شهری (با شعار هر خانوار یک امدادگر)، همایش علمی کاربردی توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، شهرداری تهران، تهران.
- فلاحی علیرضا (۱۳۹۰) رویکردهای بازسازی مسکن پس از سانحه، از تولد تا بلوغ؛ صفحه تابستان ۱۳۹۰، ۵۳(۲۱)، ص ۱۲۵.
- کلیتون، اندر و همکاران (۱۳۸۳) توانمندسازی مردم: راهنمایی برای مشارکت، ترجمه پیروز ایزدی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
- مهاجر اشجعی، اسلام و دیگران (۱۳۶۵) گزارش بازدید از آثار ویرانی زمین لرزه‌های سپتامبر ۱۹۸۵ مکزیک: تجربه‌ای جهت مقابله با این گونه حوادث احتمالی در ایران، استانداری تهران.
- یزدانی، علی (۱۳۸۴) مدیریت بحران (مکان‌یابی سایت اسکان موقت پس از زلزله در شهر تهران- مطالعه موردی: منطقه ۵ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- Pipan, P. and M. Zorn (2013) Public participation in recovery after earthquakes in Friuli (NE Italy) and the Upper Soca Valley (NW Slovenia) in 1976, 1998, and 2004; Nat. Hazards Earth Syst. Sci. Discuss., 1, 2231–2253, 2013
- ÖNDER; Deniz ERĞNSEL, Emine KÖSEOĞLU, Ömer BĞLEN, Venhar DER (2010) The effect of user participation in satisfaction: Beyciler after-earthquake houses in Düzce; ITU vol: 7 no: 1
- Davidson, Colin H, Cassidy Johnson, Gonzalo Lizarralde, Nese Dikmen, Alicia Sliwinski(2006) Truths and myths about community participation in post-disaster housing projects; Habitat International, doi:10.1016/j.habitatint.2006.08.003
- Nakagawa and Rajib Shaw, (2004) Social Capital and Disaster Recovery: A Comparative Case Study of KOBE and GUJARAT earthquake, 13th World
- شماره ۲.
بیات، حسین (۱۳۸۲) ارزیابی آسیب پذیری واحدهای ساختمانی و رهیافت‌هایی برای ایجاد دگرگونی، همایش یافته‌های زلزله بم، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۷۹) برنامه‌ریزی مسکن، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
- پورطاهری، مهدی (۱۳۹۰) اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی، فضای جغرافیایی، شماره ۳۵.
- تقوایی، مسعود و کریمی (۱۳۹۰) نقش آموزش و مشارکت شهروندی در کنترل حریقهای شهری، فضای جغرافیایی، شماره ۲۶.
- تیموری، محمود (۱۳۸۳) مدیریت بحران در بافت‌های تاریخی، ضمیمه ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۱.
- حسینی، مازیار (۱۳۸۷) مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران.
- درباک، ای؛ هواتمر، جی (۱۳۸۳) مدیریت بحران (ترجمه)، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری. رکن الدین افتخاری و قبیر فیروزنيا (۱۳۸۲) جایگاه روستا در توسعه ملی، تهران، نشر وزارت ارشاد.
- زرگر، حاجی ابراهیم (۱۳۸۴) درآمدی بر معماری روستایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۵) مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۷.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۸) تجارب خارجی تامین مسکن روستایی، مجله آبادی، شماره ۵۹، تابستان.
- شکرگزار، اصغر (۱۳۸۵). توسعه مسکن شهری در ایران، رشت، نشر حق‌شناس.
- شکیب، همزه و علی مقدسی موسوی (۱۳۸۵) مدیریت بحران در پایتخت، مجموعه مقالات دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، دانشگاه تهران.
- عبداللهی، مجید (۱۳۸۳) مدیریت بحران در نواحی

of Women (DAW).

Hagman, j., e., Chuma, & K., Murwira 1996, Improving the output of Agricultural Extension and Research through Participatory Innovation Development & Extension, European Journal of Agricultural Education and Extension, 2(4),15-23.

Wood, J. Peter & Anderson, B. Mary, 1989, Rising from the Ashes: Development Strategies in Times of Disaster, Graduate school of education-harvard university-UNESCO.

Yu, Li-fang, ken, Mei-Lien and Hiro, Osman, A Comparison of Reconstruction and Social Policies between Earthquake Disaster in Taiwan and Japan, Tokyo: ISICS, University of Tokyo. UNHCR, (2004), Resettlement Handbook, United Nations, (1982), Shelter after Disaster, Guidelines for Assistance.

Anderson, M. B. & P. J. Woodrow, 1989/1998, Rising from the ashes: development strategies in times of disaster, Boulder: Westview Press/London: Intermediate Technology Publications.

UNDP, 1997, Capacity Development. Technical Advisory Paper 2, United Nations Development Program, New York.

UNDP, 2004, the links between disaster and development are elaborated in detail in the UNDP's 2004 report Reducing Disaster Risk: A challenge for development, New York.

Birkeland, N. M., Vermeulen, E., (2004), Camp Management Tool Kit, Camp Management Project, Norwegian Refugee Council,

Anderson, M. B. & P. J. Woodrow, 1989/1998, Rising from the ashes: development strategies in times of disaster, Boulder: Westview Press/London: Intermediate Technology Publications.

Conference on Earthquake Engineering Vancouver,

B.C., Canada August 1-6, 2004 Paper No. 771

Arsalan, Hakan and Alper Unlu (2012) The Evaluation of Community Participation in housing Reconstruction Projects After DÜZCE Earthquake, and Arslan, H. (2004) "Study of Temporary Housing Planning, Organisation, Production Phases and Research of Re-Use Potentials After Usage; Example of Duzce Province", Master Thesis, Gebze.

Asgari et all (2008) utilizing post disaster development opportunities after Bam Earthquake; international journal humanities, vol 15 (2).

Huang, Luhong & Long, Enshen (2015) Architecture and Planning Design Strategy of Post-disaster Temporary Settlement with High Building Density Analysis Based on the Questionnaire in Duijiangyan after Wenchuan Earthquake; Procedia Engineering 121 (2015) 101 – 106.

Marcillia, Syam Rachma & Ohno, Ryuzo (2012) Learning from Residents' Adjustments in Self-built and Donated Post Disaster Housing after Java Earthquake 2006, Procedia - Social and Behavioral Sciences 36 (2012) 61 – 69

Eklund, L. 1999. From Citizen Participation to Community Empowerment, University of Tampere.

Coburn, A.W, Leslie, J.D.L & Tban, A., 1984, Earthquake Relif in Less Industrialized Areas, paper held at the international symposium on march 28-30 1984 zarich.

Garip, F, 2007, From Migrant Social Capital to Community Development: A Relational Account of Migration, Remittances and Inequality, Ph.D, Princeton University , pages 199.

Gopalan, P, 2013, Responding to Earthquake: People's Participation in Reconstruction and Rehabilitation, United Nations, Division for the Advancement



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۳۹۲